

معانی ابیات ← رباعی‌های امروز

◇ رباعی ۱: چون سیل ز پیچ و تاب صحرا می‌رفت
بی‌تاب نظیر جوشش چشمه دور
همراه سحر به فتح فردا می‌رفت
این رود به جست‌وجوی دریا می‌رفت

تشبیه ← چون سیل (لشکر را به سیل تشبیه کرده است)

استعاره و تشخیص ← سحر به فتح فردا می‌رفت (ویژگی انسانی به سحر داده شده و می‌دانیم هر تشخیصی استعاره است)



استعاره و تشخیص ← رود به جست‌وجوی دریا می‌رفت (خصوصیت انسان به رود داده شده است پس تشخیص دارد و هر تشخیصی استعاره است)

استعاره ← رود (انسان مبارز)

واج آرایی ← تکرار واج «ش» در مصراع اول

مراعات نظیر (تناسب) ← چشمه و رود و دریا

تشبیه ← نظیر جوشش چشمه دور (حرکت رود به جوشش چشمه تشبیه شده است)



◇ رباعی ۲: رازی که خطرکنندگان می‌دانند
با بال شکسته پر گشودن، هنر است
در بازی خون، برندگان می‌دانند
این را همه برندگان می‌دانند

واج آرایی ← تکرار واج «ن»

مجاز ← خون (مجاز از کشته شدن)



پارادوکس ← با بال شکسته پر گشودن (که ظاهراً کار سخت و نشدنی است!)

جناس ← پرندگان با برندگان بیت قبل (دقت کنید در رباعی و دو بیتی می‌توان آرایه‌هایی را در هر دو بیت داشت!)

استعاره ← پرندگان (استعاره از شهیدان)



◇ رباعی ۳: ای کعبه به داغ ماتمت نیلی‌پوش
جز تو که فرات، رشحه‌ای از یم توست
وز تشنگیات، فرات در جوش و خروش
دریا نشنیدم که کشد مشک به دوش

حُسن تعلیل ← علّت رنگ پارچه کعبه را که کبود و تیره و نیلی است ماتم و عزای تو (حضرت عباس^(ع)) می‌داند. / علّت جوش و خروش و حرکت رود فرات را تشنگی تو (حضرت عباس^(ع)) می‌داند.

تشخیص و استعاره ← نیلی پوشیدن کعبه تشخیص است و هر تشخیصی استعاره است.

مراعات نظیر (تناسب) ← جوش و خروش

واج آرایی ← تکرار واج «ش»



اغراق ← رود فرات قطره‌ای از دریای توست

تشخیص و استعاره ← مشک به دوش کشیدن دریا (هر تشخیصی استعاره است)

مراعات نظیر (تناسب) ← فرات و یم و دریا

استعاره ← دریا (استعاره از حضرت عباس^(ع))



جناس ← دوش و جوش در بیت قبل (در رباعی می‌توان آرایه‌هایی مشترک بین دو بیت داشت)

◇ رباعی ۴: از چنبرِ نفس رسته بودند آنها

بت‌ها همه را شکسته بودند آنها

پرواز شدند و پر گشودند به عرش

هر چند که دست‌بسته بودند آنها

استعاره ← بت (استعاره از تعلّقات و مادیات و ظالمان)



تشبیه ← چنبرِ نفس (نفس را به حلقه و طوقه‌ای تشبیه کرده است که گرفتار می‌کند؛ این ترکیب اضافه تشبیهی است)

تناقض (پارادوکس) ← پرواز کردن در عین دست‌بسته بودن



مراعات نظیر (تناسب) ← پرواز و پر

واج آرایی ← تکرار واج «ش» در مصراع اوّل